

همگرایی و تغییر زبانی در زبان لری و اهمیت واژه‌گزینی در احیاء، حفظ و گسترش آن (با تاکید بر گویش فنیلی)

دکتر کیانوش زهراکار (عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی تهران)

آدرس: البرز-کرج-خ شهید بهشتی-میدان دانشگاه-دانشگاه خوارزمی

تلفن: 09123589538

ایمیل: dr_zahrakar@yahoo.com

چکیده:

زبان گهواره تمدن انسان، شجره نامه هر قوم و مقوله ای است که اولین شیوه خود ابرازی را شامل می‌گردد. در کشور ما ایران نیز مثل همه کشورهای تنوع زبان، گویش و لهجه وجود دارد و علاوه بر فارسی به عنوان زبان رسمی، زبانها و گویشهای دیگری هم وجود دارد که در ابعاد مختلف و نیز از حیث تعداد گویشوران و نزدیکی به زبان رسمی باهم متفاوتند. هر یک از این گویشها و زبانها به عنوان زبان مادری یکی از اقوام ایرانی بخش مهمی از فرهنگ و هویت قومی آنان به حساب می‌آید. ضرورت پرداختن به گویش‌های گوناگونی که در گستره کشور ایران پراکنده‌اند امری بدیهی و مهم است که از دیدگاه زبان‌شناسی نیز اهمیت به سزایی دارد. این گویش‌ها سرمایه‌های گرانقدری هستند که همانند آینه‌ای شفاف فرهنگ‌های گوناگون سرزمین‌مان را می‌نمایانند. در گذر زمان زبانی دچار تغییر می‌شود. اصولاً تغییر و تحول زبانها یکی از ویژگی‌های ذاتی زبانها است که تحت تأثیر عوامل درون زبانی و عوامل برون زبانی انجام می‌گیرد. زبان لری یکی از زبانهای شاخه غربی ایران است که در گستره وسیعی از جنوب غرب کشور از استان ایلام، همدان و مرکزی تا استان فارس و سواحل خلیج فارس (دیلم، گناوه و دشتستان) به آن تکلم می‌کنند. گویش فنیلی زبان لری، زبان بسیاری از مردمان لرستان (خرم‌آباد، چگنی، پلدختر، درود و قسمتهایی از کوه‌دشت و بروجرد)، ایلام (دره شهر، آبدانان، دهلران و قسمتهایی از مهران و ملکشاهی)، خوزستان (اندیمشک، نیمی از شوش و قسمتهایی از دزفول)، قزوین و گیلان (لوشان) است. لری و گویش فنیلی آن مثل بسیاری از زبانها و گویشها در حال تغییر زبان در همه سطوح نحوی، آوایی و واژه گانی به سمت زبان معیار و ملی یعنی فارسی است. سرعت این تغییر زبانی متأسفانه بسیار زیاد بوده و روز به روز ما شاهد خاموشی واژه‌ها، افعال و آوای اصیل لری فنیلی و جایگزینی واژه‌ها، افعال و آوای زبان معیار به جا آنها هستیم. در این نوشتار ابتدا به بررسی علل همگرایی، شیوه‌های همگرایی و شواهد همگرایی گویش فنیلی زبان لری با زبان معیار پرداخته شده است و در نهایت واژه‌گزینی و شیوه‌های قابل استفاده آن در مورد گویش فنیلی زبان لری جهت احیای واژه‌گان اصیل این گویش مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌گان کلیدی: زبان لری، گویش فنیلی، همگرایی زبانی، واژه‌گزینی

تغییر و همگرایی زبانی

زبان گهواره تمدن انسان، شجره نامه هر قوم و مقوله ای است که اولین شیوه خود ابرازی را شامل می‌گردد. زبان در واقع شناسنامه و کارت شناسایی هر قوم و ملتی است، لذا پرداختن به آن از ضروریات است. در کشور ما ایران نیز مثل همه کشورهای تنوع زبان، گویش و لهجه وجود دارد و علاوه بر فارسی به عنوان زبان رسمی، زبانها و گویشهای دیگری نظیر لری، کردی، آذری، بلوچی، تاتی، گیلکی، طبری، عربی و ترکمنی هم وجود دارد که در ابعاد مختلف و نیز از حیث تعداد گویشوران و نزدیکی به زبان رسمی باهم متفاوتند. هر یک از این گویشها و زبانها به عنوان زبان مادری یکی از اقوام ایرانی بخش مهمی از فرهنگ و هویت قومی آنان به حساب می‌آید.

ضرورت پرداختن به گویش‌های گوناگونی که در گستره کشور ایران پراکنده‌اند امری بدیهی و مهم است که از دیدگاه زبان‌شناسی نیز اهمیت به سزایی دارد. این گویش‌ها سرمایه‌های گرانقدری هستند که همانند آینه‌ای شفاف فرهنگ‌های گوناگون سرزمین‌مان را می‌نمایانند. هر یک از واژه‌های یک گویش گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی و فرهنگی ملت ما است. از سوی دیگر با شناخت ظرافت‌های ساختاری گویش‌های مختلف می‌توانیم جلوه‌هایی از زبانی و پویایی زبان فارسی را دریابیم و برای حل مشکلات کنونی زبان فارسی، از جمله واژه‌سازی و معادل‌یابی برای واژه‌های بیگانه و قرضی، از آنها بهره جوییم. زبان‌ها و گویش‌های مختلف به دلیل عوامل سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی با هم تفاوت دارند. گاه در گذر زمان زبانی دچار تغییر می‌شود. زمانی یک زبان جدید بوجود می‌آید «دیالکتیک زبانی» است. بر اساس این اصل، هیچ زبان یا گویشی به کلی از بین نمی‌رود، بلکه از صورتی به صورت دیگر تبدیل می‌شود (ارانسکی، ترجمه کشاورز، 1378).

زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی از یک سو برای ایفای نقش ارتباطی خود به ثبات نیاز دارد و از سوی دیگر به موازات دگرگونی‌هایی که در سطح جامعه پدید می‌آید، ناگزیر دچار تغییر می‌گردد و خود را با نیازهای اساسی منطبق می‌سازد (مدرسی، 1368).

تعاملات بین قومی و بین‌المللی یکی از عوامل مولد و تسریع‌کننده تغییر زبانی است. امروزه تعامل اقوام و ملل به شکل بسیار عجیبی گسترش یافته است و این امر موجب تأثیر گذاری بیش از پیش اقوام و ملل بر روی یکدیگر در همه عرصه‌ها شده است. در این خصوص تأثیر زبانها بر یکدیگر برای بعضی از اقوام و ملل به فرصت و برای برخی دیگر به تهدیدی جدی تبدیل گشته است.

اصولاً تغییر و تحول زبانها یکی از ویژگی‌های ذاتی زبانها است که تحت تأثیر عوامل درون زبانی و عوامل بیرون زبانی انجام می‌گیرد. تحت تأثیر پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی شاهد دو نوع تغییر زبانی هستیم: الف) تغییر تدریجی ب) تغییر ناگهانی، که معمولاً نوع اول رواج بیشتری دارد.

جهت پرداختن به بحث تغییر زبانی ناگزیر باید چند اصطلاح توضیح داده شود که عبارتند از: همگرایی زبانی، تغییر زبان، مرگ زبان، بقاء زبان، زبان مرده، زبان رو به زوال و زبان در معرض خطر.

همگرایی زبانی (convergence Language): در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی، اصطلاح همگرایی زبانی به فرایند شبیه شدن گویشها به یکدیگر اطلاق میگردد. فرایند شبیه شدن معمولاً یک سویه بوده و جهت آن از زبان محلی و غیر معیار به سمت گویش ملی و معیار است (عمو زاده، 1381)

تغییر زبان (Language shift): این اصطلاح در واقع اصطلاح دیگری برای توضیحات اصطلاح همگرایی زبانی است. در تعریف، تغییر زبان حالتی است که در آن مردم یک جامعه دو یا چند زبانه از زبان بومی خود به نفع زبانی دیگر دست می‌کشند.

مرگ زبان (Language death): حالتی از تغییر زبانی است. مرگ زبان وقتی اتفاق می‌افتد که اعضای جامعه زبانی که دچار تغییر زبانی شده است، تنها گویشوران آن زبان در دنیا باشند. بدیهی است مرگ یک زبان با مرگ آخرین گویشوران آن زبان اتفاق می‌افتد.

بقاء زبان (Language maintainous): بقاء زبان نقطه مقابل مرگ زبان است و وقتی اتفاق می‌افتد که اعضای یک جامعه زبانی در یک جامعه دو یا چند زبانی تصمیم می‌گیرند به استفاده از زبان آبا و اجدادی خود ادامه دهند.

زبان مرده یا خاموش (daed or extinct Language): زبانی است که هیچ گویشور بومی ندارد.

زبان رو به زوال یا در حال احتضار (moribund Language): زبانی است که در میان نسل جوان و خردسالان هیچ گویشور بومی ندارد.

زبان در معرض خطر (endangered Language): زبانی که گویشوران آن بسیار اندک باشند (بشیر نژاد، 1383)

مرگ زبان را می توان یک فرایند تدریجی دانست که از تغییرزبانی شروع می شود و در صورت گسترش، تغییر زبانی ممکن است موجب زبان رو به زوال و در مرحله بعد زبان در معرض خطر و در نهایت خاموشی و نیستی زبان گردد. البته باید دانست که همه تغییر زبانها به زوال و مرگ منجر نمی شود.

عوامل موثر بر همگرایی زبانی

سه عامل اصلی میزان رشد مدنیت، سطح رشد کاربران و اراده سیاسی اجتماعی کاربران و آگاهی ایشان بر نقش حفظ و گسترش زبان در حفظ ارزش های هویتی، عوامل اصلی رشد و گسترش یک زبان هستند و ظرفیت های بیانی هر زبان، رابطه مستقیم با این سه عامل داشته و از آن پیروی می کند.

در مورد میزان رشد مدنیت باید گفت که گسترش و سطح پیچیدگی رابطه اقتصادی، علمی، فرهنگی و... به طور مستقیم زبان را تحت تأثیر قرار می دهد و آن را پیچیده و کامل می کند. این سطح پیشرفت، سطح اندیشه ورزی را نیز به دنبال خود دارد و متقابلاً، ارتقای سطح اندیشه ورزی منجر به تکامل روابط انسانی و ارتقای سطح دانش اجتماعی و علوم در عرصه های گوناگون می شود. از دیدگاه نظری، ظرفیت بیانی تقریباً همه زبانها، در بیان عاطفی و حالات انسانی، یکسان است. هر چند در شکل بیان، طبیعتاً با توجه به شکل گیری روابط نو، ممکن است برخی نسبت به برخی دیگر از عمق بیشتر برخوردار باشند، اما این قضیه (ظرفیت بیانی) در حوزه علوم، صادق نیست! دلیل آن هم وجود رابطه مستقیم و تأثیرگذار بین وجود معرفت علمی و سطح بیان این معرفت (زبان) می باشد که در دگرذیسی مدنی، همواره در حال روی دادن است. درک این نکته بسیار مهم است، چرا که بدون دریافتن این رابطه، قادر به درک یکی از مهمترین علل پسرفت زبان های گوناگون و یا نابودی آنها نخواهیم بود. اگر دقت کنیم، درخواهیم یافت که بیشتر زبان هایی که به تدریج از بین رفته اند، سطح تکامل آنها محدود به گویش بوده است و برخی دیگر نیز که دارای زبان نوشتار بوده اند، به دلیل ناهماهنگی بین بستر رشد زبان (جامعه) با سطح عمومی تکامل علوم و مدنیت، به تدریج عقب نشسته، کمتر به کار گرفته شده و زمانی که دیگر توان پاسخ به نیازهای روز را نداشته اند، از دور خارج شده اند.

یکی از عوامل دیگر رشد زبان، سطح رشد کاربران آن است. به بیان دیگر، رشد زبان، رابطه مستقیمی دارد با سطح رشد علمی و معرفتی و اجتماعی افرادی که از یک زبان خاص استفاده می کنند؛ بنابراین، شمار افراد باسواد یک جامعه، میزان سواد ایشان، سطح استفاده از رسانه های جمعی و همچنین، آزادی فضای کاربری زبان، از جمله مؤلفه هایی هستند که در تکامل یک زبان نقش بازی می کنند.

عامل مهم دیگر رشد زبان، ترکیبی از اراده سیاسی، اراده اجتماعی کاربران و همچنین آگاهی بر ارزش های هویتی، حفظ و گسترش زبان است. باید دقت شود که توجه همزمان به ابعاد گوناگون و عوامل سه گانه مدنیت، رشد کاربران و اراده و وقوف بر قضیه توجه به حفظ و گسترش زبان، می تواند به حفظ و گسترش یک زبان یاری رساند و غفلت از هر کدام از عوامل، زمینه های پسرفت و یا عقب ماندگی زبانی و به تدریج محو آن را فراهم می کند (عرفانی، 1390).

زیان شناسان سایر عواملی که در بقای یا خاموشی یک زبان موثر هستند را می دانند عبارتند از: جهانی شدن، ملی گرایی افراطی (برتون، ترجمه فکوهی، 1380؛ فیثمن، 1982، نقل از مسکینی، 1390)، مهاجرت، صنعتی شدن، شهرنشینی، محدودیت های اعمال شده از سوی دولتها، تعداد گویشوران، اعتبار اجتماعی زبانها (برخورداری از پشتوانه سیاسی، اجتماعی، نظامی، علمی و ادبی) حوزه های کاربرد (کاربرد آن در خانه، محل کار، رسانه ها، تجارت و مذهب)، زبان آموزش در نظام آموزشی کشور و بلایای طبیعی.

بدیهی است زبان محلی و غیر معیاری که فاقد نظام نوشتاری و آثار ادبی و علمی درخور باشد به دلیل از دست دادن بسیاری از عوامل بالا از جمله اعتبار اجتماعی و حوزه های کاربرد، از توانایی مقابله ای مناسبی برای حفظ و بقاء خود در مقابل زبان معیار و ملی برخوردار نیست.

تغییر زبان شامل تغییرات سطوح ساختاری سه گانه یعنی نحوی، واژه گانی و آوایی است که در این بین تغییر نحوی کندتر از تغییر واژه گانی و آوایی انجام می گیرد.

علل همگرایی گویش فنیلی با زبان معیار

زبان لری یکی از زبانهای شاخه غربی ایران است که در گستره وسیعی از جنوب غرب کشور از استان ایلام، همدان و مرکزی تا استان فارس و سواحل خلیج فارس (دیلم، گناوه و دشتستان) به آن تکلم می کنند. زبان لری دارای زیرمجموعه های زیر است: لکی (بعضی یک زبان مستقل و بعضی شمالی ترین زبان قوم لری می دانند)، فنیلی، ثلاثی، بختیاری، ممسنی، کهگیلویه و بویر احمدی. به عقیده بسیاری از زبانشناسان زبان لری بازمانده زبان پارسی باستان یا مشتق از پارسی میانه است.

گویش فنیلی زبان لری، زبان بسیاری از مردمان لرستان (خرم آباد، چگنی، پلدختر، درود و قسمتهایی از کوهدشت و بروجرد)، ایلام (دره شهر، آبدانان، دهلران و قسمتهایی از مهران و ملکشاهی)، خوزستان (اندیمشک، نیمی از شوش و قسمتهایی از دزفول)، قزوین و گیلان (لوشان) است.

لری و گویش فنیلی آن مثل بسیاری از زبانها و گویشها در حال تغییر زبان در همه سطوح نحوی، آوایی و واژه گانی به سمت زبان معیار و ملی یعنی فارسی است. سرعت این تغییر زبانی متأسفانه بسیار زیاد بوده و روز به روز ما شاهد خاموشی واژه ها، افعال و آوهای اصیل لری فنیلی و جایگزینی واژه ها، افعال و آوهای زبان معیار به جا آنها هستیم. میزان تغییر زبانی که لری فنیلی در حال تجربه کردنش است به حدی است که به نظر نگارنده (هرچند ممکن است بعضی از خوانندگان با آن موافق نبوده و آن را اغراق بدانند) می توان از آن بعنوان "زبان در معرض خطر" یاد کرد. دلیل این ادعا هم آن است که تعداد کسانی که به گویش اصیل و آبا اجدادی لری فنیلی تکلم می کنند بسیار اندک است و هر روز نیز از شمار آنها کاسته می شود. در خصوص تغییر زبانی و مرگ واژه ها و افعال فنیلی ما با فرایندی مواجه هستیم که از محدود شدن کاربرد افعال و واژه ها شروع شده، حلقه محدودیت کار برد آن به تدریج بیشتر و در نهایت به مرگ آنها می انجامد. در این خصوص می توان به فعل امری "دئی" به معنی "بزن" و "دئیت" به معنای "بزنید" اشاره کرد که فرایند مرگ و نیستیش از محدود شدن کاربرد آن به دوم شخص مفرد و جمع شروع سپس حلقه کاربرد آن به فقط دوم شخص مفرد محدودتر شد و در نهایت با جایگزینی واژه تغییر یافته فارسی آن یعنی "بزه"، در حال مرگ و نیستی است.

مهمترین عوامل همگرایی و تغییر شدید گویش لری فنیلی به سمت زبان معیار (در کنار سایر علل) را می توان عوامل زیر دانست:

۱- محدود بودن حوزه های کاربرد: محدود شدن روز افزون آن در خانه و خانواده بعنوان پایگاه اصلی انتقال زبان مادری، عدم استفاده از آن در رسانه های جمعی

۲- اعتبار کم اجتماعی: در این خصوص می توان به عدم برخورداری از پشتوانه های ذکر شده در بالا خصوصاً پشتوانه های ادبی و علمی اشاره کرد.

3- عدم نوشتاری بودن آن

4- عدم اراده سیاسی برای حفظ زبان لری

6- پایین بودن سطح اراده اجتماعی گویشوران لری برای حفظ زبان مادری

7- عدم آگاهی لری زبانان بر ارزش بسیار بالای هویتی زبان لری

شیوه های همگرایی گویش فنیلی با زبان معیار

در جریان تغییر گویش لری فنیلی به سمت زبان معیار بسیاری از واژه ها و افعال فارسی عیناً و بدون تغییر جایگزین واژه ها و افعال لری اصیل شده و در بسیاری از موارد واژه ها و افعال فارسی با تجربه تغییرات مختصر آوایی جایگزین واژه ها و افعال لری شده و در بعضی موارد ما شاهد دخل و تصرف جدی گویشوران لُر در واژه ها و افعال فارسی و سپس جایگزین کردن آنها هستیم.

لذا می توان انواع جایگزینی افعال و واژه های فارسی به جای افعال و واژه های لری اصیل را به سه نوع و سطح تقسیم بندی کرد :

1- جایگزینی آوایی، نظیر:

لری رایج در گذشته	آوانگاری	لری رایج امروزی	آوانگاری	فارسی
رئته ده ویر	Rate de vir	فراموش کرد	Ferāmoš kerde	فراموش کردن
پنجئل	penjel	شلخته	šelaxta	شلخته

۲- جایگزینی کامل و بدون دخل و تصرف، نظیر:

لری رایج در گذشته	آوانگاری	لری رایج امروزی	آوانگاری	فارسی
قُل	ghoāl	پا	pā	پا
مَزگ	mazg	مغز	maqz	مغز
کپو	kapo	سر	sar	سر

۳- جایگزینی همراه با دخل و تصرف، نظیر:

لری رایج در گذشته	آوانگاری	لری رایج امروزی	آوانگاری	فارسی
تُنول	toāl	پشنی	pešni	پیشانی
خنا،خایه	xāya·Xāa	ترمغ	termoq	تخم مرغ

یکی دیگر از تغییرات زبانی در گویش فنیلی این است که در گویش اصیل و رایج در گذشته فنیلی نظیر گویش شمالی قوم لُر (لکی) و گویشهای جنوبی لرتباران (بختیاری، ممسنی، کهگیلویه و بویر احمدی) برای جمع بستن از "ال" یا "نل" استفاده می شده است مثل زَننل (زنها)، پینائل (مردها)، دُخترنل (دخترها)، کُرئل (پسرها) و گائل (گاوها) ولی در گویش فنیلی رایج امروزی این نحوه جمع بستن از طریق "یا" و "او" انجام میگیرد مثل "زَنیا" یا "زَننو" (زنها)، پیا(یا) (مردها)، "دُخترنو" یا "دُختریا" (دخترها) "کُرنو" یا کُریا" (پسرها) و گاو(یا) (گاوها).

در مورد واژه "گائل" که بیشتر در گویش چگنی ها رواج داشته است به نظر می آید منهای علامت جمع یعنی "نل" نظیر گویش لکی قبلاً از واژه "گا" در این گویش فنیلی برای نامیدن "گاو" استفاده می شده است.

شواهد همگرایی زبانی گویش فنیلی با زبان معیار

در ادامه تعداد کمی از شواهد بسیار زیاد همگرایی و تغییر زبانی گویش لری فنیلی اعم از افعال و واژه ها ذکر می گردد:

فهرستی	رایج	در آوانگاری	نری امروزی	رایج	نری گذشته
گردن	garde	mel	گرد		مِل
خبر کردن	Xavar kerde	vārasane	خَوَر کرد		وارسنه
یخه	yaāqa	yālga	یَعغه		یالگه
مثل	Mes	jor,Či	مَث		چی، جور
خار	qār	derek	غار		دِرک
هلو	helo	mero	هَلو		مِرو
حاضر جواب	hāzerjevo	korjevo	حاضر جنواو		کَر جنواو
نوشتن	nevešte	nisane	نِوشتنه		نیسه نه
دفعه	Daf	gel	دَف		گِل
تند	ton	hetād	تُن		هی تاد
سریع	sariā	āze	سریع		آزه
توان	tāo	āz	توو		آذ
برادر	berār	kāka,Gaga	برار		گه گه، کاکه
خاله	hāla	mimi	حاله		می می
عمو	āmo	tāta	عمو		تاتاه
خواهر	xoār	dada	خوئر		دَد
قهر	ghaār	mer	قنر		مِر
نور چشم	nireČaš	somā	نیر چشم		سوما
باز	vāz	tāgh	واز		تاق
دیدن	diye	Sāel kerde	دئییه		سیل کرد
پریدن	perese	Vāz gerete	پرسه		واز گرتیه
حرف زدن	harfzaye	Ghesa kerde	حرف زیه		قسه کرد
عصبانی شدن	Asabāni biye	zeropane	عصبانی بیه		زروپنه
فرستادن	fersane	Keāl kerde	فرسنه		کِل کرد
برداشتن	verdāšte	Hāiz daie	ورداشته		هیز دئییه
ذهن	zahn	vir	ذهن		ویر
تپه	tapa	māz	تپه		ماز
سرازیری	serāziri	leāž	سرازیری		لِژ
سربالایی	sarvālāi	benār	سروالایی		بنار
کفش	kafš	ākla,Oresi	کفش		اورسی، کاله
اندازه	andāzah	bao	اندازه		بُو
ساکت	sāket	keāš	ساکت		کِش
کنار	kenār	roāna	کنار		رُوْنه
طرف	teraf	lā	طرف		لا

تلاش	teālš	تلاش	halg	هَلگ
دویدن	doese	دئوسه	jeāste	جئیسته
جیغ	jeiq	جیغ	ghīza	قیزه
بیمار شدن	Beimār beie	بیمار بییه	Ve gis nevye	و گئیس نویه
سنگ	saān	سئن	bard	بَرَد
خانه	hona	حونه	māl	مال
عروسی	arosi	عروسی	doāt	دُونت
نامزدی	nāmzadi	نامزدی	dasgironi	دئس گِیرونی
عزادار	azadār	عزادار	āzyati	آذیتی
هیكل	hekel	هیكل	doāl	دئول
خواستگاری	xāstegāri	خواستگاری	kixāi	کیخائی
فکر کردن	Feker kerde	فکر کرد	derese	دِرِسه
شنا کردن	šenākerde	شنا کرد	mala	مَنله
عطسه	ādse	عطسه	kerČa	کِرچه
سرفه	sorfa	سرفه	ghota	قُوته
درد زایمان	dardezāyimo	درد زایمو	žo	ژو
جوش (آب جوش)	još	جوش (او جوش)	ghol	قُول (او قُول)
بخار	boxšr	بخار	hap	حَب
پارچه فروش	pārČa feroš	پارچه فروش	enjelāsi	انجلاسی
معطل	moatal	معطل	anelāt	انئلات، انگلات
ابرو	abro	ابرو	berm	بَرَم
آغوش	āqoš	آغوش	bāloš	بالوش
پوشیدن	pošeye	پوشیه	Devar kerde	دِ وُر کرد
پارچه کهنه	pārČakona	پارچه کونه	paāro	پُرو
گرد و خاک	Garo xāk	گرد و خاک	tāoz	توز
متقلب	moteghaleb	متقلب	mozeškar	موزش کار
سیلی	sili	سیلی	Čapāla	چپاله
جوان	jevo	چوو	jehāl	جهال
خشک	hošk	حوشک	rāgh	راق
زهر	zahr	زهر	žeghelta•Žaār	ژئر، ژقلته
به خاطر	Ve xāter	و خاطر	sona	سوننه
تپق	tepogh	تپق	šep	شِب
چنگال	Čanāl	چننال	ghāpāl	قپال
تهدید	tahdid	تهدید	samse	سم سی
قاشق	ghāšogh	قاشوق	kamČa	کمچه
چاقو	Čāqo	چاغو	kārČo	کارچو
کمر	kamar	کمر	ghi	قئی
شکمو	šekamo	شکمو	giadār•Lamo	لُمو، کیه دار
تحمل کردن	Tahamol kerde	تحمل کرد	komese	کومسه
پر	por	پُر	negh	نِق
گدایی	gedāi	گدائی	hās	هاس
سرحال	sarehāl	سرحال	gorj	گَرَج

پشت	pošt	پشت	gorda	گَرده
کج	kaj	کج	hal	حل
خانه تکانی	honatekoni	حونه تکونی	gardila	گَر دیله
زنبور	zanbor	زنبور	gonj	گنج
بد	bad	بد	gañ	گن
شایعه	šaiēāa	شایعه	roā	رئو
مژّه	moža	مژّه	meržin	مِرژن
عقب	āghab	عقب	demā	دِما
جُلو	jelo	جُلو	nohā, Nehā	نُوها، نِها
یک	yedafa	یه دَفه	nohalmona	نوهلمونه
دفعه، ناگهانی				
نفس	nafas	نفس	henāsa	جِناسه
مه	meh	مه	karodi, Karo pi	کَر ئو پی، کَر ئو دی
رقیب	raghib	رقیب	homāl	هُمال
گَر دِباد	gerdbād	گَر دِباد	bāygeža	بای گِیژّه
فشار دادن	Fešār daie	فشار دِیه	roghane	رُقه نه
کم	kam	کم	tika	تیکه
خیلی کم	Xeili kam	خیلی کم	tikelonjela	تیکه لونجِله
زیاد	ziād	زیاد	fera	فره
بالا	bālā	بالا	roā, Vāro	وارو، روء
چفت	joft	چفت	lof	لُوف
دو قلو	dogholo	دو قلو	lofona	لُوفونه
صدا زدن	sedāzaye	صدا زنیّه	henākerde	هِنَا کَر دِ
چاق	Čāgh	چاق	mas	مَس
لاغر	lāqar	لاغر	laār	لُآر
سرخ	soārx	سرخ	soār	سُونُور
لحظه	gaza	لنظه	ger	گِر
تعارف	tāref	تارف	mekes	مِکَس
وجب	vajab	وجب	beges	بِگِس
دانه	dona	دونه	gela	گِله
خمیازه	xamyāza	خمیازه	keškevār, Damderki	دَم دَر کِی، کِشکُور
اینطور	eytor	ایطور	Čeni	چِنِی
عیناً	āynan	عیناً	kotemot	کُت مَت
بیکسره، مداوم	medām, Yesara	یه سره، مداوم	yemejo	یه مِجُو
له کردن	Leh kerde	له کَر دِ	telghane	طَلغَنه
صدا	sedā	صدا	daān	دِن
دیوانه	divona	دیوونه	liva	لِنِیوه
سهم	saām	سَم	baār	بَن
سفید	sefid	سفید	espi	ئِسپِی
آبی	āoei	آوئی	kio	کِنِیوو

هئیل	heil	قهوه ای	ghahvei	قهوه ای
رکسه	rekesse	لرزسه	larzese	لرزیدن
تُرم	tarm	تائویت	toait	تابوت
هوم دا	homdā	هوم سن	homsen	همسن
بالننه	bālena	پرند	paranda	پرنده
قپال	ghapāl	پنجه	panja	پنجه
الالکه	elālka	بدتر	badtar	بدتر
گِل ئاورده	Gel oerde	ورگشته	vergašte	برگشتن
دِ روء رتته	derāorate	آشفته بیه	Āšofta byie	آشفته شدن
لئن	laān	معطل	moštel	معطل
زوئروء	zoro	کُشتی	košti	کُشتی
دئول	doāl	هیکل	haikal	هیکل
نذا	nezā	دعا	došā	دعا
کونل	koāl	کوتا	kotā	کوتاه
دوئر	doār	دراز	dedāz	دراز
لالکسه	lālkesse	التماس کرد	Eltemās kerde	التماس کردن
قئری	gheri	مقداری، بعضی	baāzi, Meghdāri	مقداری، بعضی

احیا، حفظ و گسترش گویش فنیلی زبان لری

برخی از زبانها به دلیل برخورداری از عوامل رشد زبان که بیشتر درون قومی است دارای فرصت و برخی دیگر به دلیل عدم برخورداری از این عوامل مورد تهدید روز افزون و خطر از دور خارج شدن هستند. به نظر می رسد زبان لری در زمره زبانهای دسته دوم یعنی زبانهای مورد تهدید قرار میگیرد.

همانطور که ذکر شد با کمی دقت میتوان پی برد که زبان لری خصوصاً گویش فنیلی آن به دلیل محدودیت کاربرد آن فقط به حوزه بیان و عدم نوشتاری بودن آن، عدم استفاده از آن در رسانه های جمعی، عدم اراده سیاسی برای حفظ زبان لری، پایین بودن سطح اراده اجتماعی گویشوران لری برای حفظ زبان مادری و عدم آگاهی آنان بر ارزش بسیار بالای هویتی زبان لری، روز به روز در حال فاصله گیری از اصالت خود، ورود روز افزون واژه های زبانهای دیگر (فارسی) به حوزه کاربردی آن و همزمان سلاخی شدن واژه های اصیل است.

شکی نیست که در این وضعیت تلاش جمعی غیر دولتی برای حفظ زبان لری یک نیاز مبرم می باشد و در این خصوص اساس کار، نوشتاری و مکتوب کردن این گویش و احیای واژه های اصیل است. واژه گزینی می تواند در احیای زبان نقش بنیادی ایفا کند. البته همانطور که ذکر شد کمی تأمل میتوان پی برد که گویشوران زبانهایی که کاربرد آنها فقط بیانی و شفاهی است؛ قادر به برقراری یک رابطه و تعامل مناسب با زبانهای تأثیر گزار جهانی، زبانهای اقوام مجاور و خصوصاً زبان معیار و ملی نیستند و به مرور اصالت و توانمندی خود را از دست می دهند. این زبانها خود را درگیر پیمودن راه از طریق یک مسیر یک طرفه می کنند که در این مسیر فقط یا بسیار بیشتر، واژه های زبانهای دیگر وارد آن زبان شده و حالت عکس آن وجود ندارد. زبان لری را می توان یکی از بهترین مثالها برای اینگونه زبانها و شاید تنهاترین قوم ایرانی در این خصوص دانست لذا برای احیا و گسترش زبان لری ابتدا باید به نوشتاری کردن آن پرداخت سپس جهت غنی کردن آن به فکر واژه گزینی افتاد.

تعریف واژه گزینی

واژه گزینی فرایندی است که طی آن برای یک مفهوم مشخص علمی، فنی، حرفه ای یا هنری معمولاً یک و در مواردی بیش از یک لفظ برگزیده یا ساخته می شود (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، 1388).

واژه‌گزینی تفنن یا فنی خاص نیست. واژه‌سازی ضرورتاً تصمیمی در چهارچوب یک مشرب ملی‌گرایانه یا قوم‌گرایانه نیز نیست. واژه‌گزینی اقدامی است در پاسخ به نیازهای کلامی سخن‌گویی که در لحظه معینی از زمان در حال تولید پیامی زبانی است و در موضعی معین از این پیام خواهان کاربرد مفهومی است که برچسب صوری، یا لفظ مناسب آن، را در اختیار ندارد - مفهومی که یا از رهگذر برخورد با فرهنگ، جامعه یا زبانی دیگر به اندیشه او راه یافته است و یا بدهتا از طریق نظرپردازی در جهان ذهنی او جوانه زده است. واژه‌گزینی در زبان امری طبیعی و ناگزیر است. واژه‌گزینی ضرورتاً پدیده‌ای نیست که در نتیجه برنامه‌ریزی زبانی و به صورتی آگاهانه و عمدی پدید آمده باشد، بلکه بخشی است از توانایی زبانی سخن‌گویان یک زبان و طریقه‌ای است طبیعی برای ورود مفاهیم تازه به زبان (سامعی، 1376). واژه‌گزینی در واقع راهی است برای حفظ خلوص و نیز توانمند نگاه داشتن زبان.

شیوه های واژه‌گزینی

واژه‌گزینی به چند شیوه انجام می‌گیرد که عبارتند از برگزینش، نوگزینش، ساختن اصطلاح و وام‌گیری (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، 1388).

1- برگزینش: انتخاب یک واژه یا عبارت از میان واژه‌ها و عبارت‌های موجود در زبان. در این نوع واژه‌گزینی، واژه‌گزین در گنجینه زبان مادری به جستجو پرداخته و از بین واژه‌های موجود در گنجینه زبانی ولی کم‌کاربرد، واژه مناسبی را برمی‌گزیند. به نظر می‌رسد برای احیا، حفظ و گسترش زبان لری از این شیوه می‌توان بیشتر از سایر شیوه‌ها استفاده کرد چون زبان لری رایج و مورد استفاده گویشوران معاصر لُر واقعاً به گنجینه‌ای از واژه‌های اصیل ولی کم‌کاربرد یا بلا استفاده تبدیل شده است. واژه‌های "بالننه" به معنی پرنده، "گنی" به معنی نوبت، "سیل" که به معنی بیننده، "حتل" به معنی کج و "آدا" به معنی سالم‌مآلهایی برای استفاده وسیع از شیوه نوگزینش در زبان لری است.

2- نوگزینش: انتخاب یک واژه موجود در زبان و دادن مفهومی جدید به آن به طوری که با مفهوم اولیه بی‌ارتباط نباشد. این شیوه در واقع گسترش معنایی آگاهانه است. در گسترش معنایی، معنی سابق حفظ می‌شود ولی معنی جدیدی هم بر آن بار می‌گردد. گسترش و استفاده از واژه "بالننه" که به معنی پرنده است برای استفاده به جای "هواپیما"، گسترش واژه "لنرئنه" به معنای "برگرداندن" برای استفاده به جای "ترجمه" و گسترش واژه "نونه دار" که بیشتر به معنای نگهبانی از بیمار است برای استفاده به جای "نگهبانی" مثالهایی از استفاده از شیوه نوگزینش در زبان لری است.

3- ساختن اصطلاح و واژه‌سازی: واژه‌سازی فرایندی است که به دستگاه صرف زبان مربوط می‌شود و به دو روش صورت می‌گیرد: اشتقاق و ترکیب. اشتقاق عبارت است از ساختن یک واژه جدید از طریق وند افزایی نظیر "هنرمند" که در زبان فارسی با افزودن پسوند "مند" به اسم "هنر" ساخته شده است. ترکیب عبارت است از به هم پیوستن دست کم دو واژه و ساختن یک واژه مرکب نظیر "دندان پزشک" در زبان فارسی که از ترکیب دو واژه "دندان" و "پزشک" ساخته شده است.

"عیوت دار" در زبان لری با افزودن پسوند "دار" به "عیوت" به معنای "نگهداری" برای ساختن واژه معادل "پرستار" در زبان فارسی، "دئن که" در زبان لری که ترکیب "دئن" به معنی "آواز خواندن" و "که" است برای ساختن واژه معادل "خواننده" در زبان فارسی و "حتل رو" در زبان لری با افزودن پسوند "رو" به "حتل" به معنی "کج" برای ساختن واژه معادل "مجرم" در زبان فارسی می‌تواند مثالهایی از استفاده از شیوه واژه‌سازی در زبان لری باشد.

4- وام‌گیری: اخذ یک واژه از زبانهای دیگر به همان مفهومی که در زبان مبدأ دارد. وام‌گیری یکی از شیوه‌های گسترش واژگان زبانهاست. اگر وام‌گیری به صورت محدود، سنجیده و براساس ضوابط مشخصی صورت گیرد نه تنها به زبان آسیب نمی‌رساند بلکه غنای واژگانی آن را افزایش می‌دهد. وام‌گیری در شرایط برخوردی زبانی آسانترین شیوه است ولی اگر محدود و سنجیده نباشد خلوص و توانمندی زبان را کاهش داده و به آن آسیب می‌زند.

متأسفانه استفاده نامناسب، ناسنجیده و وافر از وام‌گیری بخصوص از زبان معیار به یکی از عوامل آسیب‌زننده به زبان لری تبدیل شده و خلوص و هویت آن را به میزان زیادی دچار خدشه کرده است. وام‌گیری و ورود روز افزون واژه‌های زبان معیار به زبان لری موجب فاصله‌گیری زیاد زبان لری رایج و معاصر با زبان لری دهه‌های پیش شده است. وام‌گیری نسنجیده از زبان معیار در حال حاضر، هویت زبانی و گویشی لری را به خطر انداخته و ترس از این است که در

آینده نه چندان دور این هویت تبدیل به هویت لهجه ای گردد و بدین سان ما شاهد از بین رفتن مهمترین بنیان اجتماعی و شناسه ای مردمان لر و نابودی یکی از زبانهای اصیل ایرانی باشیم.

نتیجه گیری

زبان لری یکی از زبانهایی است که حیاتش به دلایل مختلف درون و برون قومی در معرض تهدید است و می توان استفاده از واژه گزینی را بعد از نوشتاری کردن آن مهمترین راهبرد برای برون رفت از این وضعیت دانست و آن را یک نیاز آنی تلقی کرد. با توجه به استفاده وافر و سنجدیده از شیوه وام گیری واژه گزینی، این شیوه به مهمترین عامل آسیب رسان به زبان لری تبدیل شده و می بایست با استفاده از سایر شیوه ها یعنی برگزینش، نوگزینش و ساختن اصطلاح و واژه سازی مسیر تعاملی این زبان را با سایر زبانها تغییر داد و بدین وسیله علاوه بر ارتقای خلوص و توانمند سازی زبان لری آن را به عنوان یکی از پشتیبانان اصلی زبان فارسی و ملی معرفی کرد چون واژه های زبان لری می توانند در واژه گزینی فارسی هم کاربرد زیادی داشته باشد. با توجه به شرایط موجود در این خصوص فقط می توان به فعالیتهای غیر دولتی و واژه گزینی غیر رسمی چشم دوخت هر چند این نوع واژه گزینی در مقایسه با واژه گزینی رسمی نواقص و خطرات زیاد و کارآمدی کمتری دارد ولی چون تنها گزینه است می بایست از آن استفاده کرد ولی با اندیشیدن تدابیری مثل تشکیل یک گروه واژه گزینی متشکل از واژه گزین های متخصص و راه اندازی وب سایت رسمی برای این گروه و حتی انتشار نتایج آن در رسانه ها، از خطرات و نواقص آن کاست و بر کار آمیش افزود.

منابع:

- 1- ارانسکی، ای، ام (1378). مقدمه فقه الغه ایرانی (ترجمه کریم کشاورز). تهران: پیام.
- 2- برتون، رولان (1380)، قوم شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- 3- بشیرنژاد، حسن (1383). زبانهای محلی ایران و خطر انقراض. مجله فرهنگ مردم ایران، شماره 5 و 6، ص 65-84.
- 4- سامعی، حسین (1376). الگوهای واژه سازی در زبان فارسی. مجله نامه فرهنگستان. شماره 11.
- 5- عرفانی، فرهاد (1390). اهمیت حفظ و گسترش زبان فارسی. وب سایت ویستا.
- 6- عموزاده، محمد (1381). همگرایی و دوزبانگونی در گویش مازندرانی. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره 6 و 7، ص 139-159.
- 7- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (1388). اصول و ضوابط واژه گزینی. وب سایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- 8- مدرسی، یحیی (1368). درآمدی بر جامعه شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- 9- مسکینی، سید جواد (1390). (). رویکرد انسان شناسی به وحدت زبانی قومی و تکثر گرایی آن. وب سایت. انسانشناسی و فرهنگ.
- 10- مدرسی، یحیی (1368). درآمدی بر جامعه شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.